

نویسنده‌ها وقتی نوجوان بودند چه کار می‌کردند؟

## کرم کتابی که کفش واکس می‌زند!



بعضی از خارجی‌ها اسم وسط دارند. لابد می‌پرسید «اسم وسط» چیست؟ ساده است؛ می‌دانید که همه‌ی ما یک اسم کوچک داریم (مثلا نوید) و یک اسم فامیلی داریم (مثلا کاظمی پور)؛ بعضی از خارجی‌ها بین این دو تا، یک اسم دیگر هم دارند. نویسنده‌ای که این هفته سراغش رفتیم هم جزو آن بعضی‌ها است. اسم اصلی او «چارلز جان هوفام دیکنز» است. البته آن‌ها برای این که بقیه بتوانند بهتر اسم‌شان را بگویند، اسم وسط را برمی‌دارند. این‌ها عجیب و غریب هستند، نه؟! خلاصه این که چارلز دیکنز در «لندپورت پورتنسی» در انگلستان به دنیا آمد. پدرش کارمند ساده‌ی اداره‌ی کارپردازی بود. چارلز کوچک از همان موقع که چشم‌هایش را باز کرد و توانست خواندن را یاد بگیرد، شروع کرد به کتاب‌خواندن. او یک کرم کتاب واقعی بود. کرم کتاب که می‌دانید چیست؟ یعنی خوره‌ی کتاب! یعنی از خواندن کتاب‌هایی مثل «رابینسون کروزوئه»، «دن کیشوت» و «هزار و یک شب» سیر نمی‌شد و همیشه در حال خواندن داستان و رمان بود. خودش می‌گوید: «صدای بازی بقیه‌ی بچه‌ها از حیاط می‌آمد، ولی من در رخت‌خواب خودم می‌ماندم و کتاب می‌خواندم.»

همه فکر می‌کنند تمام آدم‌های موفق و نویسنده‌های بزرگ در خانواده‌های ثروتمند بزرگ شده‌اند، ولی جهت اطلاع‌تان باید بگویم که اصلا هم این‌طور نبوده. باور نمی‌کنید؟ چرا راه دور برویم، همین چارلز خودمان؛ در منطقه‌ی معمولی و تا حدودی فقیرنشین بودند. اوضاع پدرش هم اصلا خوب نبود. پدر او آن قدر نوازش می‌خورد و خرج‌های الکی می‌کند تا بالاخره پول‌هایش تمام می‌شود و بعدش هم می‌برندش زندان؛ آن هم وقتی که پسرش فقط دوازده سال داشته. برای همین، دیکنز کوچک مجبور می‌شود بروی کار کند و یک لقمه نان برای خانه بیاورد. یعنی فکر کنید یک پسر دوازده ساله ناچار شده بود کار کند، آن هم در واکس‌سازی. چارلز کوچک در آن کارگاه کار می‌کرد و روی قوطی‌ها، برچسب می‌چسباند. او تقریباً دو سال این کار را ادامه داد و حسابی از درس و مشق افتاد و کم‌تر وقت کرد کتاب بخواند. خلاصه که اوضاع حسابی درب و داغان بود. او حتی گاهی وقت‌ها پول کافی برای خوردن نهار نداشت.



تا اینکه پدرش از زندان بیرون آمد و او توانست دوباره به مدرسه برود. اوضاع مالی آن‌ها آن قدر ضعیف بود که خانواده‌ی دختر مورد علاقه‌اش، او را قبول نکردند و به دخترشان اجازه ندادند با چارلز دیکنز غذا بخورد و بیرون برود. چارلز بعد از پایان دوران مدرسه، در یک دفتر وکالت کار گرفت ولی چند وقت بعد رفت سراغ کاری که به آن علاقه داشت؛ روزنامه‌نگاری. او شروع کرد به نوشتن و داستان‌هایش را در نشریه‌ها منتشر کرد. خیلی‌ها از داستان‌های دیکنز خوش‌شان آمد و همین باعث شد او با انرژی بیشتری بنویسد. دیکنز کارش را ادامه داد و آثار بزرگی را نوشت و منتشر کرد که هنوز هم طرفدارن زیادی دارند و کتاب‌هایش خوانده می‌شوند و حتی از روی داستان‌هایش فیلم می‌سازند. انیمیشن «آرزوهای بزرگ» را که حتما دیده‌اید؟ این انیمیشن از روی یکی از داستان‌های دیکنز ساخته شده. رمان‌های «الیور توئیست» و «دیوید کاپرفیلد» از معروف‌ترین آثار دیکنز هستند.

